■ سه شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۴ ■ شماره ۲۱۸۸۲ ■ ۱۴ ربیع الثانی ۱۴۴۷ ■ ۷ اکتبر ۲۰۲۵

مشهد	اذان ظهر: ۱۱:۱۹	تهران	اذان ظهر: ۱۱:۵۲
	غروب آفتاب: ۱۷:۰۶		غروب آفتاب: ۱۷:۴۰
	اذان مغرب: ۱۷:۲۵		اذان مغرب: ۱۷:۵۸
	نیمه شب: ۲۲:۳۷		نیمه شب: ۲۳:۱۰
	اذان صبح فردا: ۰۴:۰۸		اذان صبح فردا: ۰۴:۴۲
	طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۳۲		طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۰۵

امام علی علیه السلام می فرمایند:
قِلَّةُ الْكَلامِ يَسْتُرُ الْعُيُوبَ وَ يُقَلِّلُ الذُّنُوبَ؛
کم‌گویی، عیب‌ها را می‌پوشاند و از گناهان می‌کاهد.
[شرح غررالحکم: ج ۴، ص ۵۰۵]

روزنامه خراسان رتبه ۵ نشریات کشوری
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرعامل و مدیر مسئول: حسین سعیدی
سردبیر: حامد رحیم پور
دفترمرکزی: مشهد، بلوارشهید صادقی (سازمان آب)
کدپستی: ۹۱۸۵۸۹۵۹۷۱
تلفن: ۳۷۰۰۹۰۰۰ ۰۵۱
نمابردبیرخانه: ۳۷۶۲۴۳۹۵ ۰۵۱
پذیرش آگهی: ۳۷۰۱۰ ۰۵۱

روابط‌عمومی: ۳۷۰۰۹۱۱۱ ۰۵۱
پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹
نمابرجوابیه‌ها: ۳۷۶۵۷۷۷۲ ۰۵۱
نمابرآگهی‌ها: ۳۷۶۱۲۰۳۵ ۰۵۱
تلفن امورمشترکین: ۳۷۰۰۹۷۷۷ ۰۵۱
دفتر تهران: خیابان توانیر، خیابان نظامی گنجوی کوچه ناردان، پلاک ۲۳
تلفن و فاکس دفتر تهران: ۸۸۸۷۱۳۰۹ ۰۲۱

www.khorasanonlin.ir
e-mail:info@khorasannews.com
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه خراسان را در سایت بخوانید
سامانه ثبت آگهی آنلاین خراسان: www.khorasanet.ir

چاپ‌مشهد: شهرچاپ‌خراسان | چاپ‌تهران: چاپخانه جام جم برتر برنا

خراسان
روزنامه صبح ایران
WWW.KHORASANONLIN.IR

تازه های مطبوعات

اطلاعات - یکی از عاملان مؤثر در امر تحریم، کاسبان داخلی و خارجی هستند. بخش کوچکی از این گروه در داخل قرار دارند که دلال نفت و طلا و خوار بار و کالاهای خانگی و ارز و اتومبیل خارجی و هزارها وسیله قاچاق دیگر می باشند. این واسطه‌ها گلوی مردم را گرفته و شبکه‌ای چنان قدرتمند دارند که دولت و دستگاه بوروکراسی و دیوان سالاری و گاهی تفتیش هم نمی‌تواند سر نخ و طنابی از آن‌ها نشان دهد. چه رسد به آن که افشا کند و رشته را پاره و فساد را از میان بردارد!

هم میهن – این روزنامه در پاسخ به این سوال که علی لاریجانی چه سناریویی را در عراق و لبنان و عربستان دنبال می کند؟ نوشت: تصور می‌شود ارزیابی علی لاریجانی در دیدار با مقامات کشورهای منطقه این بوده که از این طرح دفاع نخواهند کرد زیرا نه عراق تمایل دارد که این کشور محل درگیری بین ایران و آمریکا و اسرائیل شود و نه لبنان به دنبال تحریک اسرائیل برای حمله به حاکمیت این کشور است. در عین حال نیروهای جهادی نیز از توان سابق برخوردار نیستند.

کیهان – این روزنامه در انتقاد به موضع گیری برخی رسانه ها از جمله روزنامه سازندگی در قبال پاسخ حماس به طرح صلح ترامپ نوشت: غربگرایان می‌توانند هر روز تیترهای کنایه‌وار همچون «توافق پس از ویرانی» بنویسند، اما ملت ایران می‌داند که ویرانی واقعی، روزی آغاز می‌شود که ایمان به توان ملی از دست برود و این ایمان با هیچ تحریم و هیچ فشاری از دل این ملت ریشه کن نخواهد شد. طرح ترامپ برای «صلح تحمیلی» در غزه و واکنش هوشمندانه حماس بار دیگر ثابت کرد که دشمن جز با زبان قدرت سخن نمی‌فهمد. در داخل نیز، نسخه‌نویسان غربی با همان منطق شکست‌خورده برجام، درپی کشاندن ایران به همان مسیرند.

ایران - افشاگری «هاآرتص» که حمایت اسرائیل از پهلوی را علنی کرد، به احتمال زیاد بخشی از این راهبرد است: با افشای این حمایت، اسرائیل عمداً اندک اعتبار پهلوی را در میان اندک هواداران بالقوه‌اش نابود و او را به‌عنوان «عامل صهیونیسم» بی‌اعتبار کرد.

انعکاس

انتخاب نوشت : سخنگوی دادگاه هیئت‌منصفه سیاسی و مطبوعاتی گفت: در دادگاه روز گذشته، هیئت‌منصفه به‌اتفاق آرا کواکبیان را به‌اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی و انتشار اخبار نادرست درباره ارتباط جنسی «کاترین شکدم» مجرم شناخت و مستحق تخفیف ندانست. کواکبیان روز گذشته در دفاع از خود در دادگاه گفت: «اعتراف می کنم اشتباه کردم و عذرخواهی می کنم.

الف نوشت :دادگاه استیناف لندن حکم داد ساختمان NIOC House متعلق به شرکت ملی نفت ایران به‌طور غیرقانونی به تراست منتقل شده و مصادره آن برای پرداخت ۲.۴ میلیارد دلار پرونده کرسنت قانونی است. شرکت ملی نفت ایران در تلاش برای جلوگیری از این اقدام شکست خورد.

تابناک نوشت:۲۵ نفر از نمایندگان مجلس برای پافشاری بر استیضاح وزیر کار، با استامپ قرمز به نشانه خون پای برگه‌ها انگشت زدند و سوگند یاد کردند هیچ کس از امضاء عقب نشینی نکند، در این صورت، نام امضا کنندگان منتشر خواهد شد.

فراز نوشت : روزنامه «وال استریت ژورنال» به نقل از مقامات غربی گزارش داده است که چین برای پرداخت بهای نفت ایران، به‌رغم تحریم‌های آمریکا، یک «ترفند سری و کانال مالی پنهان» ایجاد کرده است. این سازوکار که شبیه به «مبادله کالا به کالا» عمل می کند، روابط اقتصادی بین دو رقیب آمریکا را عمیق‌تر کرده و تلاش‌های واشنگتن برای منزوی کردن ایران را به چالش کشیده است.

اعتماد آنلاین خبرداد: عراقچی وزیر خارجه در مراسم بزرگداشت «حسین کلانی» گفت: در حال پیگیری صدور روادید برای نمایندگان ایران برای حضور در مراسم قرعه‌کشی جام جهانی هستیم. به یاد دارم که در اوج مذاکرات برجام، نتایج پرسپولیس را دنبال می کردیم و حتی بعد از یک دور از مذاکرات که فشار زیادی را تحمل کردیم، آقای تخت‌روانچی گفتند "حالا زیاد غصه نخور، پرسپولیس بازی داشته و برنده شده است!"

علیرضا دبیر با عملکردی متفاوت نشان داد که می‌توان با مهارت مدیریتی و ایجاد اجماع بین نخبگان به هدف سازمانی دست یافت

فرمول مدیریتی دبیر

سلیمانی- نتایج درخشان اخیر تیم‌های ملی کشتی، نه‌تنها نام ایران را در عرصه جهانی برجسته کرد، بلکه مدیریت و رویکرد علیرضا دبیر را به صدر گفت‌وگوهای سیاسی، ورزشی و رسانه‌ای آورد. دبیر، رئیس فدراسیونی که طی سال‌های اخیر از پرحاشیه‌ترین نهادهای ورزشی کشور بود، این‌بار با عملکردی متفاوت نشان داد که می‌توان با مهارت مدیریتی و ایجاد اجماع بین نخبگان به هدف سازمانی دست یافت.

او در صحن علنی مجلس، جایی که معمولاً تریبون‌دار سیاست است نه ورزش، از تمام طیف‌ها تشکر کرد؛ از غلامرضا تاجگردون اصلاح‌طلب تا ثابتیِ اصولگرا. این رفتار، فراتر از یک ژست تشریفاتی بود. دبیر به‌صورت ضمنی پیامی روشن به جامعه مدیریتی ایران داد: در کشوری که شکاف‌های سیاسی اغلب مسیر کار را مسدود می‌کند، می‌توان با هوشمندی ارتباطی و تعامل هوشمندانه، اجماع نخبگانی ساخت.

در واقع، تجربه دبیر نشان داد که توان هماهنگی و ایجاد هم‌افزایی بین نیروهای متضاد، خود نوعی سرمایه مدیریتی است. بسیاری از مدیران کشور به‌دلیل غلبه نگاه جناحی، عملاً در حصار خودساخته سیاسی گرفتار می‌شوند و در نتیجه از ظرفیت بخش بزرگی از جامعه محروم می‌مانند. دبیر اما با کنار گذاشتن این خط‌کشی‌ها، به‌درستی تشخیص داد که موفقیت ملی، محصول مشارکت جمعی است، نه پیروزی یک جناح. این الگو را می‌توان در سیاست نیز مشاهده کرد. زاکانی و پزشکیان که در رقابت‌های انتخاباتی تندترین جملات را نثار یکدیگر کردند، امروز در مدیریت اجرایی کشور به سطحی از همکاری رسیده‌اند که نشان می‌دهد سیاست‌ورزی واقعی یعنی عبور از کینه‌های جناحی و تمرکز بر کارآمدی. همان‌گونه که دبیر برای قهرمانی ملی‌پوشان، از همه‌ی نیروها بهره برد، در سیاست نیز همین منطق می‌تواند مسیر توسعه ملی را هموار کند.

البته دبیر در کنار موفقیت‌هایش باید مراقب دام‌های رسانه‌ای و سیاسی نیز باشد. اظهارنظر اخیر او در مجلس که میان برجام و کشتی مقایسه‌ای نامربوط ایجاد کرد، یادآور این نکته است که مدیران موفق وقتی به تریبون سیاست نزدیک می‌شوند، بیش از همیشه در معرض لغزش‌اند. او باید بداند که اقتدار مدیریتی و محبوبیت اجتماعی‌اش زمانی تداوم می‌یابد که از ورود به دوگانه‌های غیرضروری پرهیز کند.

با این همه، عملکرد علیرضا دبیر در ماه‌های اخیر را می‌توان نمونه‌ای کم‌نظیر از «مدیریت بدون مرز سیاسی» دانست. او نشان داد می‌توان در فضای پرتنش جناحی، بر محور منافع ملی چرخید و با اجماع عقلایی، کاری کرد که پرچم ایران نه‌تنها در سالن‌های کشتی که در ذهن افکار عمومی نیز برافراشته بماند. شاید درس اصلی الگوی مدیریتی دبیر برای دیگر مدیران کشور همین باشد که موفقیت را نه در تقابل، بلکه در گفت‌وگو و تعامل حتی با وجود اختلاف نظر باید یافت.

انتخاب مجدد چهره‌های تکراری در جبهه اصلاحات و ابقای آذر منصوری به ریاست آن، انتقادها از انحصارگرایی و بسته بودن ساختار تصمیم‌گیری این جریان را بار دیگر شدت بخشید

تیشه به ریشه اصلاحات

امیررضا توکلی- در آغازین روزهای پاییز ۱۴۰۴، مجمع عمومی جبهه اصلاحات ایران برگزار و بار دیگر آذر منصوری به ریاست این تشکل انتخاب شد؛ انتخابی که به‌ظاهر نشانه‌ای از ثبات مدیریتی در درون جبهه است، اما در واقعیت، بازتابی از تداوم یک ساختار بسته و چرخش قدرت در میان حلقه‌ای محدود از چهره‌های شناخته‌شده اصلاح‌طلبی است. در حالی که انتظار می‌رفت پس از تجربه‌های پرچالش سال‌های اخیر، جبهه اصلاحات گامی به سوی بازسازی بدنه اجتماعی و بازتعریف نقش خود در سپهر سیاسی کشور بردارد، ترکیب هیئت‌رئیسه جدید همان چهره‌های تکراری را در خود جای داده است: آذر منصوری، محسن آرمین، سیدحسن رسولی، بدرالسادات مفیدی و جواد امام. این انتخاب‌ها بیش از هر چیز پرسش‌برانگیز است؛ زیرا در کنار تأکید بر ثبات تشکیلاتی، نشانه‌ای از نوسازی یا تحول در ساختار جبهه دیده نمی‌شود. محمد قوچانی، از اعضای شورای مرکزی کارگزاران، در واکنش به انتخاب منصوری در دوره نخست ریاستش نوشته بود: «گرچه شعار اصلی اصلاح‌طلبان، حق انتخاب و رد انتصاب است، اما هنوز رئیس جبهه اصلاحات با اشارت، وصایت و بیعت تعیین می‌شود.» او با اشاره به نقش سید محمد خاتمی و چهره‌هایی مانند ابراهیم اصغرزاده و محسن میردامادی، این روند را محصول مهندسی سیاسی درونی دانسته بود. اکنون، با انتخاب مجدد همان فرد، این نقد بار دیگر زنده شده است. عباس عبدی و محمدعلی وکیلی نیز از زاویه‌های مختلف همین انحصار و بی‌رقابتی درونی را در همان برهه برجسته کرده بودند. پرسش کلیدی اما این است که انتخاب دوباره منصوری چه معنا و پیام‌هایی برای مسیر آینده اصلاح‌طلبان دارد؟

پیام های یک ابقا

ابقای منصوری در ریاست جبهه اصلاحات، در واقع تداوم همان گفتمانی است که پس از بیانیه معروف این جبهه در پی جنگ دوازده‌روزه شکل گرفت؛ گفتمانی که در نقطه تجدیدنظرطلبی و نقد بنیادین ساختار سیاسی ایستاده و کمتر تمایل دارد به سمت مصالحه یا بازتعریف راهبردی حرکت کند. در حالی که برخی انتظار داشتند جبهه اصلاحات با درک تحولات جدید، به سمت نوعی بازخوانی واقع‌گرایانه از نقش خود پیش برود، انتخاب مجدد منصوری نشان داد که هنوز منطق درون گفتمانی جبهه، بر رادیکالیسم تأکید دارد و از پذیرش ایده‌های تعدیل‌شده و تعامل‌محور گریزان است. این انتخاب به نوعی پیام عدم حمایت از رویکرد توافق‌طلبانه‌ای بود که چهره‌هایی چون مسعود پزشکیان در سال گذشته نمایندگی می‌کردند.

جبهه اصلاحات، در مسیر کنونی‌اش، نه به گشودن روزنه‌ای به سوی گفت‌وگو تن داده و نه از ادبیات دوگانه‌ی تقابل با نظام حاکم و اپوزیسیون فاصله گرفته است. در واقع، اصلاح‌طلبان همچنان میان دو رقیب گرفتارند: از یک سو، در برابر نظام مستقر که با بی‌اعتمادی به آنان می‌نگرد و از سوی دیگر، در برابر اپوزیسیونی که آن‌ها را به سازش‌کاری متهم می‌کند. این موقعیت دوگانه، جبهه اصلاحات را در وضعیت تعلیقی نگه داشته است؛ نه قادر به ورود مؤثر به میدان قدرت است و نه می‌تواند خود را از اتهام بی‌عملی برهاند. تداوم این وضعیت، در درازمدت، می‌تواند اصلاحات را به پروژه‌ای صرفاً نمادین بدل کند؛ پروژه‌ای که در ظاهر همچنان از تغییر سخن می‌گوید، اما در عمل، به بازتولید ساختارهای فرسوده خود مشغول است.

ادبیات «پارادایم شیفت» که در سال‌های اخیر از سوی برخی فعالان اصلاح‌طلب مطرح شده، هنوز در میان تصمیم‌سازان جبهه خریدار دارد. منصوری در جایگاه ریاست، نماینده همان گفتمان تحول‌خواهی بنیادینی است که بیش از آنکه به اصلاح تدریجی فکر کند، بر تغییر چارچوب‌های کلان تأکید می‌ورزد. چنین رویکردی، هرچند از منظر نظری جذاب به نظر می‌رسد، اما در عمل، فاصله اصلاح‌طلبان را با سیاست واقعی و ممکن بیشتر کرده است. واقعیت‌های جهانی و تحولات منطقه‌ای نیز نتوانسته‌اند نگاه جبهه را به سمت سیاست واقع‌گرایانه سوق دهند. جهان آنارشیکی که جنگ‌ها، رقابت قدرت‌ها و بی‌ثباتی اقتصادی در آن بیداد می‌کند، تأثیری بر ذهنیت ایدئولوژیک جبهه اصلاحات نگذاشته است. این جبهه هنوز در دام سیاست سوبژکتیو، یعنی محوریت دادن به ذهنیت و ارزش‌های شخصی و آرمانی، گرفتار است. در حالی که شرایط امروز نیازمند رویکردی واقع‌نگر، تعاملی و تدریجی است، اصلاح‌طلبان در مسیر ذهنی خود باقی مانده‌اند. به نظر می‌رسد انتخاب مجدد آذر منصوری، نه صرفاً یک تصمیم تشکیلاتی، بلکه نشانه‌ای از اراده‌ای است برای حفظ وضع موجود در قالب همان گفتمان انتقادی دیرپا.

این انتخاب بیش از هر چیز از انسداد درونی خبر می‌دهد؛ انسدادی که در صورت تداوم، فاصله میان اصلاح‌طلبان و جامعه را بیشتر خواهد کرد. جامعه‌ای که امروز از مطالبات معیشتی و واقع‌گرایانه سخن می‌گوید، با گفتمان انتزاعی و درون‌محور اصلاح‌طلبان هم‌افق نیست. اگر جبهه اصلاحات بخواهد همچنان در متن سیاست ایران باقی بماند، باید به این پرسش پاسخ دهد که آیا می‌خواهد در قامت یک نیروی انتقادی بی‌اثر بماند یا به بازتعریف خود و بازگشت به بطن جامعه تن دهد. انتخاب آذر منصوری، دست‌کم در شرایط فعلی، نشانه‌ای از مسیر دوم نیست.

فرا خبر

پیام‌های روشن ابقای منصوری

سعید آجرلو- ۱- جبهه اصلاحات همچنان همان بیانیه پس از جنگ ۱۲ روزه خواهد بود. در نقطه تجدیدنظرطلبی.

۲- روزنه گشایی در جبهه صدایی ندارد و توافق طلبی پزشکیان از سوی جبهه حمایت نمی‌شود.

۳- اصلاح‌طلبان همچنان دور قیب دارند؛ اپوزیسیون و نظام حاکم.

۴- جبهه اصلاحات همچنان کار احزاب اصلاح‌طلب را خواهد کرد و احزاب عملا اراده خود را از دست داده‌اند.

۵- رادیکالیسم در این جبهه ادامه خواهد یافت و ادبیات پارادایم شیفت از جانب این گروه دنبال خواهد شد.

۶- واقعیت‌های جهان آنارشیک و جنگ ۱۲ روزه هیچ تاثیری روی ایده رادیکال‌ها نگذاشته است و رئال‌پالتیک مقهور سیاست سوبژکتیو شده است.

یادداشت

حسن بهشتی پور
info@khorasannews.com

راه مواجهه با سیگنال های اروپا

با فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» از سوی اروپایی‌ها و تشدید تحریم‌ها، روابط ایران و غرب در وضعیت تعلیق و بی‌اعتمادی قرار گرفته است. با این حال، پیام‌ها و سیگنال‌های روزانه‌ای از سوی اروپا و حتی آمریکا برای بازگشت به میز مذاکره به تهران ارسال می‌شود. پرسش اساسی این است که هدف از این پیام‌ها چیست و ایران چه رویکردی باید در قبال آنها اتخاذ کند؟

اروپا امروز بیش از آنکه در پی دستیابی به توافقی عملی با ایران باشد، تلاش دارد تصویر خود را در عرصه جهانی مدیریت کند. اروپایی‌ها می‌خواهند نشان دهند که «اهل جنگ نیستند» و همچنان راه دیپلماسی را باز گذاشته‌اند. در واقع، پیام‌های مذاکره‌ای بیشتر کارکرد تبلیغاتی و اعتمادسازی نزد افکار عمومی جهان دارد تا راهگشایی برای حل اختلافات واقعی. این وضعیت، به‌ویژه پس از افشاگری نماینده روسیه در شورای امنیت درباره رفتار فرانسه، بی‌اعتمادی نسبت به پایبندی اروپا را افزایش داده است.

برای ایران، مسئله اصلی نباید «بود یا نبود مذاکره» باشد، بلکه چگونگی بهره‌گیری از آن در جهت منافع ملی اهمیت دارد. مذاکره نه یک تابو است که مطلقاً ممنوع شود و نه امری مقدس که همیشه ضرورت داشته باشد. این ابزار می‌تواند در شرایط مختلف کارکردهای متفاوتی داشته باشد: از افشای نیت طرف مقابل و کسب امتیازات محدود گرفته تا ایجاد کانال‌های ارتباطی و شکستن بن‌بست‌ها.

رویکرد عملگرایانه در قبال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز قابل مشاهده است. تعلیق همکاری پس از فعال‌سازی ماشه، نه به معنای خروج کامل، بلکه اقدامی اعتراضی و موقت تلقی می‌شود. ایران اگر بخواهد بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود تأکید کند، در نهایت نیازمند تعامل با آژانس است، چرا که این همکاری می‌تواند «بهانه‌ها» را از دست آمریکا بگیرد. تصمیم درباره از سرگیری این تعامل نیز باید بر پایه محاسبه دقیق منافع و پس از رفع موانع امنیتی اتخاذ شود.

ایران در شرایط کنونی باید از افتادن در دام دوگانه‌های افراطی «مذاکره در هر شرایطی» یا «قطع کامل مذاکره» پرهیز کند. راهبردی که بر پایه خردورزی و عملگرایی شکل گیرد، ایجاب می‌کند هر جا منافع کشور اقتضا کرد وارد مذاکره شود و هر زمان که ضرورت نداشت، با مقاومت هوشمندانه هزینه‌های طرف مقابل را افزایش دهد. مذاکره در این چارچوب نه ارزش ذاتی دارد و نه بار منفی؛ بلکه صرفاً ابزاری است در خدمت تأمین حداکثری منافع ملی ایران.